

آن است که به مقتضای قانون و حق باشد هر چه را از راه حق منصرف نشود ستم و بی عدالتی است. وقایعی عادل آن است که به مقتضای قانون فتوایش برابر اعتبار قانون و مطابق حق باشد.

در زمان سلطنت داریوش وی دستور داد که یک قانون مدنی کامل از روی قوانین کشورهای تابعه و قوانین ایران تهیه و مورد عمل قرار دهند که بعدها همان قانون پایه گذار قانون گزاران روم و سایر کشورهای جهان گردید. برای خلع و اقصاف دادگاه ها به ریاست سران تشکیل شده. در بین زمان شاه خود را صاحب مطلق مجازات می دانست. همانطور پادشاه حق داشت هر چیزی را که می خواست مورد عفو قرار بدهد. لازم به ذکر است که مجازاتها در ایران باستان اصولاً شدید بوده است.

**کشاورزی** - پایه و اساس زندگی اجتماعی در دوره هخامنشی کشاورزی بود. در این دوره ماهوار دولتی مخلوین وجود داشت که ناظر در امور کشاورزی و مصلحتی وصول مالیاتها بودند.

پادشاهان هخامنشی برای گسترش کشاورزی حمایت می کردند ایشان به کسانی که زمین های پایدار تبدیل را از ارضی زراعتی یا پرداخت می کردند و به احداث قنوات می پرداختند پاداشی خوبی می دادند.

در این زمان دامداری رواج فراوان داشت و اسب های نسا که در ماد پرورشی می یافتند شهرت بسزای داشتند. هر ریالت و نخلوی به صنعت دستی خود مشغول بود.

در سلطنت هخامنشیان و مملوها در یابل و بین انهن بین بازار گاتی رواج فراوان داشت. این امر تحسین است که با مملوهای یابل ها که برای توکم



تجارت و کشاورزی به مردم وام می دادند تشکیل شده بود که معروفترین آنها دو بانک برادران انگلیسی و پسران مولانا بودند. اینها است. امیران و بزرگان دستگاه های اداری و مدعی کارگزارانی داشتند که آنان را "مانیا" می خواندند بر اینان که بزرگان پیش نبودند داغ می نهادند و در امور ساختمانی و کشاورزی و صنعت از وجودش استفاده می کردند. اینان از اسیران جنگی بشمار می رفتند و آنان را غالباً در روستاها ساکن می دادند.

نظام مالی در ایوش خیلی درخشان بود هر دولت می نویسد که در ایوش مالیات ایران را به نقدی و جنسی تعیین کرد و ایران را به بیت منطقه مالیات تقسیم نمود و همراه با هر سترابها (یا همان استاذار) یک نفر امین در امور مالی نیز روان داشت. تمام مالیاتها در خزانه شاهی نگهداری می شد طلا و نقره را آب کرده در کوزه های سفالین می ریختند و هر وقت بومی لازم می شد شاه حکم می کرد که قسمتی از شمشیرها را ببرند و مورد استفاده قرار دهد.

به قول استرابون از سن ۵ تا ۱۲ سال به

پارسیان می آموختند که تیر و زوبین بلند ازنند و راست سوار شوند و راست گویند. جوانان باید پیش از برآمدن آفتاب از خواب برخیزند. این جوانان یا راهبران خود به مسافت بیش از یک فرسنگ می دوختند. جوانان باید بلند سخن بگویند تا شش های ایشان ورزیده شود. به آنان می آموختند که در سرما و سرما در هنگام سختی ها بردبار باشند. مدت خدمت سربازی ایشان از ۲ تا ۱۲ سالگی است. وظیفه آموزش و پرورش را معمولاً مخان میخده در ایوش منظور تربیت جوانان

در دوره هخامنشیان آن بوده که جوانان را در راه و غذا کار و خدمت و آراستگی به زیور اخلاق مفید به حال کوزه و جامه بار آورند.